رویش روان شناسی، سال۱۲، شماره۶، شماره پیاپی ۸۷، شهریور ۱۴۰۲
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),12(6), 2023

پیش‌بینی پذیرش مسئولیت‌پذیری براساس انعطاف‌پذیری و تفکر وجودی انتقادی در مادران دانش آموزان کم توان ذهنی

Predicting acceptance of responsibility based on flexibility and critical existential thinking in mothers of mentally retarded students

محبوبه پیاده امرغان
دانشجوی دکترای روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
محمدرضا بلیاد (نویسنده مسئول)
استادیار گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
معصومه ژیان باقری
استادیار گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
ناهید هواسی سومار
استادیار گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
طاهره رنجبری پور
استادیار گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

Mahboobeh Piadeh Amarghan
PhD Student in Psychology, Department of Psychology , Karaj Branch , Islamic Azad university, Karaj, Iran.
Mohammad Reza Belyad*
Assistant Professor Department of Psychology, Karaj Branch , Islamic Azad university , Karaj , Iran.
belyad110@gmail.com
Masoumeh Jian Bagheri
Assistant Professor, Department of Psychology, Karaj Branch , Islamic Azad university, Karaj, Iran.
Nahid Havasi Soomar
Assistant Professor, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad university, Karaj, Iran.
Tahereh Ranjbari Pour
Assistant Professor, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad university, Karaj, Iran.

چکیده

هدف این پژوهش پیش‌بینی پذیرش مسئولیت‌پذیری براساس انعطاف-پذیری و تفکر وجودی انتقادی در مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی بود. پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء پژوهش‌های بنیادین و از لحاظ روش از نوع مطالعات همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه مادران دانش‌آموزان کم توان ذهنی محدوده سنی ۶ تا ۱۸ سال (حدود ۹۰۰ نفر) مشغول به تحصیل در مدارس استثنایی شهرستان قزوین در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بودند. که از بین آنها به صورت تصادفی خوشه‌ای ۲۴۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه راهبردهای مقابله ای لازاروس و فولکمن (WSQ، ۱۹۸۴)، مقیاس هوش معنوی کینگ (SISRI، ۲۰۰۸) و صفات شخصیتی کاستا و مک کری (NEO، ۱۹۷۰) بود. روش تحلیل این پژوهش، تحلیل رگرسیون به روش همزمان بود. یافته‌ها نشان داد که انعطاف‌پذیری و تفکر وجودی توان پیش‌بینی پذیرش مسئولیت-پذیری مادران دانش‌آموزان کم توان ذهنی را دارد و درمجموع ۱۹/۹ واریانس متغیر پذیرش مسئولیت‌پذیری را تبیین می‌کند (p<۰/۰۵). نتیجه‌گیری می‌شود که انعطاف‌پذیری و تفکر وجودی انتقادی در پیش-بینی پذیرش مسئولیت پذیری نقش اساسی دارد.

واژه‌های کلیدی: *انعطاف‌پذیری، پذیرش مسئولیت‌پذیری، تفکر وجودی انتقادی.*

Abstract

The aim of this research was to predict acceptance of responsibility in mothers of intellectually disabled students. The current research is part of applied research in terms of its purpose and correlational studies in terms of method. The statistical population included all the mothers of mentally retarded students in the age range of 6 to 18 years (about 900 people) who were studying in exceptional schools in Qazvin city in 2019-2020. Among them, 246 people were randomly selected as a sample. The tools of this research included the Lazarus and Folkman Coping Strategies Questionnaire (WSQ) (1984), King's Spiritual Intelligence Scale (SISRI) (2008), and personality traits. The analysis method of this research was simultaneous regression analysis. The findings showed that flexibility and existential thinking can predict the acceptance of responsibility of mothers of students with mental disabilities and explain 3.9 of the variance of the acceptance of responsibility variable ($p<0.05$). It is concluded that flexibility and critical existential thinking play an essential role in predicting the acceptance of responsibility.

Keywords: *Flexibility, acceptance of responsibility, critical existential thinking.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت :** اردیبهشت ۱۴۰۲ | **پذیرش:** تیر ۱۴۰۲ | **ویرایش نهایی:** شهریور ۱۴۰۲

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.6.10.4]

مقدمه

کم‌توانی ذهنی اختلالی عصبی تحولی[۱] با منشا زیستی است که نارسایی‌هایی[۲] در توانایی ذهنی مانند استدلال، حل مساله، برنامه‌ریزی، تفکر انتزاعی، قضاوت و یادگیری را موجب می‌شود (مرسر[۳]، ۲۰۲۲). در یک تعریف سنتی، کودکان عقب‌مانده ذهنی[۴] به سه گروه وابسته، با بهره هوشی کمتر از ۲۹، تربیت‌پذیر با بهره هوشی بین ۳۰ تا ۴۹ و آموزش‌پذیر با بهره هوشی ۵۰ تا ۷۵ تقسیم می‌شوند (لیو [۵]و همکاران، ۲۰۲۲). اما در ویراست پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی[۶]، اصطلاح عقب‌ماندگی ذهنی به اصطلاح ناتوانی عقلی[۷] تغییر کرد و شرط هوش برای ناتوانی عقلانی برداشته شد (وود[۸] و همکاران، ۲۰۲۲). بر اساس این تعریف، به افرادی ناتوان عقلی گفته می‌شود که محدودیت[۹]های معنادار در کارکردهای هوشی و رفتارهای سازشی داشته و مشکلات آن‌ها قبل از هجده سالگی ایجاد شده باشد. در این تعریف رفتار سازشی به صورت مهارت‌های سازشی مفهومی، اجتماعی و عملی بیان شده‌است (مالیندا[۱۰] و همکاران، ۲۰۲۲).

در این میان مادر به عنوان مراقب اصلی بیشترین استرس و آسیب احتمالی را از وقوع این مسئله متحمل می‌شود (نوریانینگسیه[۱۱]، ۲۰۲۲). مادران کودکان کم توان ذهنی به عنوان مراقبین اولیه، به راحتی دچار استرس بیش از حد ناشی از نگهداری از وی می‌شوند (بگ[۱۲]، ۲۰۲۲). مادران به علت داشتن نقش سنتی مراقبت، مسئولیت‌های بیشتری در قبال فرزند معلول خود به عهده می‌گیرند و در نتیجه با مشکلات روانی بیشتر مواجه می‌شوند (دی باتیستا [۱۳]و همکاران، ۲۰۲۲). مسئولیت‌پذیری را توانایی نظم‌دادن به تفکرات و احساسات و رفتار همراه با اراده برای درنظرگرفتن خویش به‌عنوان مسئول انتخاب‌های خود و پیامدهای فردی و اجتماعی آن انتخاب‌ها تعریف کرده‌اند. همسو با تعریف یادشده، برخی نیز مسئولیت‌پذیری را نوعی تعهد درونی از سوی فرد برای انجام مطلوب همه فعالیت‌هایی که بر عهده او گذاشته شده، تعریف می‌کنند (بشیر و مک تاگارت[۱۴]، ۲۰۲۲). مادران فرزندان کم‌توان ذهنی احساس مسئولیت بیشتر و یا گاهی احساس گناه می‌کنند که این مکانیزم، ممکن است باعث کسب اطلاعات بیشتر در زمینه ناتوانی و معلولیت فرزند و حمایت افراطی از کودک معلول شود (راجرز [۱۵]و همکاران، ۲۰۲۱). ازطرفی چون مادران بیشتر وقت و انرژی خود را صرف کودک می‌کنند، بیشتر از پدران با همسایگان، اطرافیان و فامیل ارتباط دارند و در معرض توضیح دادن وضعیت کودک قرار می‌گیرند (کمالودین [۱۶]و همکاران، ۲۰۲۲).

به‌نظر می‌رسد مسئولیت‌پذیری براساس انعطاف‌پذیری[۱۷] در مادران دارای فرزند کم توان ذهنی در ارتباط باشد. انعطاف‌پذیری به توانایی افرد برای تمرکز بر موقعیت کنونی و استفاده از فرصت‌های آن موقعیت برای گام برداشتن در راستای اهداف و ارزش‌های درونی با وجود حضور رویدادهای روانشناختی چالش‌انگیز یا ناخواسته اشاره دارد (لوباتو [۱۸]و همکاران، ۲۰۲۲). انعطاف‌پذیری فرد را قادر می‌سازد که در برابر فشارها، چالش‌ها و سایر مسائل عاطفی و اجتماعی برخورد مناسب و کارآمد داشته باشد (براون [۱۹]و همکاران، ۲۰۲۲). مادرانی که تفکر انعطاف‌پذیری دارند، از توجیهات جایگزین استفاده می کنند، به صورت مثبت چارچوب فکری خود را بازسازی می‌کنند و موقعیت‌های چالش انگیز یا رویداد های استرس زا را می پذیرند و نسبت به افرادی که انعطاف پذیر نیستند از نظر روانشناختی تاب آوری بیشتری دارند

1 evolutionary nerves
2 insufficiency
3 Mercer
4 Mentally retarded
5 Liu
6 Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM-5)
7 Intellectuall Disability
8 Wood
9 Limitations
10 Maulinda
11 Nuryaningsih
12 Bağ
13 Di Battista
14 Bashir & McTaggart
15 Rogers
16 Kamaludin
17 Kamaludin
18 Lobato
19 Brown

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.6.10.4]

(کریر[1] و همکاران، ۲۰۲۰). مادران دارای کمک توان ذهنی هرچه تاب‌آوری بالاتری داشته باشند، توان عملکرد مثبت در شرایط ناگوارشان بالاتر می رود و می‌توانند در برابر رنج ناشی از نگهداری فرزند کم توان ذهنی مقاوم‌تر بود و کیفیت زندگی هم در این وضعیت بالاتر خواهد رفت (نجمیجر[2] و همکاران، ۲۰۲۰). ارسو[3] و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که بین سلامت روانی مادران کودکان ناتوان ذهنی و عادی تفاوت معناداری وجود دارد، بدین معنا که مادران با دانش‌آموزان ناتوانی ذهنی از سلامت روان پایین‌تری نسبت به همتایان عادی خود برخوردارند. پژوهشگرانی چون ددووا[4] و همکاران (۲۰۲۳) و کولودزیج[5] و همکاران(۲۰۲۲) نشان دادند که بین انعطاف پذیری و مسئولیت‌پذیری رابطه وجود دارد.

از جمله عوامل دیگری که با مسئولیت‌پذیری در ارتباط است تفکر وجودی که یکی از مولفه‌های هوش معنوی می‌باشد. تفکر وجودی، کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی با هدف تسهیل مشکلات روزمره و دستیابی به هدف است (داکا و رایدز[6]، ۲۰۲۳). افراد زمانی هوش معنوی را به کار می‌گیرند که بخواهند از ظرفیت‌ها و منابع معنوی خود برای تصمیم‌گیری‌های مهم و اندیشه در موضوعات و جودی یا تلاش در جهت حل مسائل روزانه استفاده کنند. (مائولیندا[7] و همکاران، ۲۰۲۲) هوش معنوی را چاچوبی برای تشخیص و سازماندهی مهارت ها و قابلیت هایی که مستلزم کاربرد انطباقی معنویت است تعریف می‌کند (ما و وانگ[8]، ۲۰۲۲).

هوش معنوی مجموعه ظرفیت های سازگاری در ذهن بر مبنای جنبه های غیر جمسانی و متعالی واقعیت می‌داند (تاکادیپورام[9]، ۲۰۲۳) هوش معنوی در بر گیرنده نوعی سازگاری واقعیت می داند در واقع در بر گیرنده نوعی سازکاری و رفتار حل مسئله است که بالاترین سطوح رشد را در حیطه های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی و بین فردی شامل می شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده های اطراف و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی هدایت می نماید(گراسمان[10] و همکاران، ۲۰۲۲). این هوش به دیدی کلی درمورد زندگی و همه تجارب و رویدادها می دهد و اورا قادر می سازد به چهارچوب بندی و تفسیر مجدد تجارب خود پرداخته شناخت و معرفت خویش را عمق بخشد (اسکرزیپینسکا[11]، ۲۰۲۱).

هوش معنوی به مثابه آگاهی از هستی یا نیروی فراتر از جنبه های مادی زندگی است و احساس عمیقی از وحدت به وجود می‌آورد. تکیه گاه معنوی می تواند به عنوان مانعی در برابر استرس عمل کند. به طوری‌که افراد بتوانند تصمیمات معنادار اتخاذ کنند، درباره موضوعات وجودی به طور عمیق فکر کنند و نیز برای حل مشکلات روزمره خود تلاش نمایند (کریسناندا و سوریا[12]، ۲۰۱۹). هوش معنوی جنبه‌های ذهنی و ناملموس را با اقدامات و مسائل افراد در دنیای عینی و ملموس ترکیب می‌کند. افرادی که از درک معنوی بالایی دارند، بهتر می توانند معنای زندگی را درک کنند و از طریق کشف معنای زندگی، اضطراب وجودی آنها کاهش می‌یابد و در نتیجه سلامت روانی آنها افزایش می‌یابد (ساموال[13]، ۲۰۲۰). هوش معنوی مادران کم توان ذهنی سبب شده که در زندگی خود ارزش‌های فرامادی را دنبال کنند و با توکل و تکیه بر ذات مقدس خداوند آرامش درونی خود را حفظ نمایند و از نگرش مثبت و ذهنی یاز و انعطاف پذیری برخوردار شوند و مسئولیت بیشتری در قبال کودکان خود داشته باشند (پوردهانی و ساکسنا[14]، ۲۰۲۰).

در حقیقت عبادت، نیایش، ایمان و تجارب معنوی راه حلی برای مشکلات و سختی‌های زندگی است. بنابراین افرادی که از هوش معنوی بالایی دارند امکان دست یابی به دانش و فهم بیشتری را داشته و این امر زمینه را برای رسیدن به کمال و ترقی در زندگی فراهم می‌کند و از نظر روانشناختی افرادی سالم هستند (داکا و رایدز[15]، ۲۰۲۳). پژوهشگرانی چون تاکادیپورام (۲۰۲۳) و نورزمان و آمالیا[16]

1 Curryer
2 Neijmeijer
3 Ersoy
4 Dědová
5 Kołodziej
6 Dacka & Rydz
7 Maulinda
8 Ma & Wang
9 Thakadipuram
10 Grasmane
11 Skrzypińska
12 Krisnanda & Surya
13 Samul
14 Purdhani & Saxena
15 Dacka & Rydz
16 Nurzaman, Amalia

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.6.10.4]

(۲۰۲۲) نشان دادند که بین هوش معنوی و مسئولیت پذیری رابطه وجود دارد.

با وجود تحقیقات زیادی که در رابطه با مسائل مختلف افراد کم توان ذهنی و خانواده آنها صورت گرفته است، لیکن هنوز مسائلی در هاله‌ای از ابهام است و نیاز به بررسی بیشتری دارد. از جمله این مسائل می‌توان به عوامل مرتبط با مسئولیت پذیری مادران کودکان کم توان ذهنی اشاره کرد که با بررسی بیشتر بر روی آن عوامل می توان گامی در جهت انعطاف پذیری شناختی و تفکر وجودی در نتیجه ارتقاء سلامت روان مادران و سایر اعضای خانواده برداشت. بنابراین ویژگی و نوآوری پژوهش حاضر در مقایسه با پژوهش های پیشین بررسی عوامل ذکر شده است و هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی پذیرش مسئولیت‌پذیری براساس انعطاف‌پذیری و تفکر وجودی انتقادی در مادران دانش آموزان کم توان ذهنی بود.

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء پژوهش‌های بنیادین و از لحاظ روش از نوع مطالعات توصیفی و همبستگی بود. جامعه آماری در این پژوهش کلیه مادران دانش آموزان کم توان ذهنی محدوده سنی ۶ تا ۱۸ سال مشغول به تحصیل در مدارس استثنایی شهرستان قزوین در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بودند که تعداد آنها ۹۰۰۰ نفر بود که از میان آنها ۲۴۶ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت اند از: مادران دارای کودک کم توان ذهنی در محدوده‌ی سنی ۶ تا ۱۸ سال و علاقه و رضایت برای شرکت در پژوهش و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه همکاری روند پژوهش بود. همچنین در این پژوهش برای در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی در این پژوهش به هر شرکت کننده یک کد اختصاص داده شد و شرکت کنندگان می‌توانستند از نام مستعار برای شرکت در پژوهش استفاده کنند و اطلاعات خصوصی افراد شرکت کننده در پژوهش که در راستای هدف پژوهش نبود از شرکت کنندگان دریافت نشد. همچنین پس از توزیع لازم به ذکر است که کلیه ملاحظات اخلاقی پژوهش رعایت گردید، از جمله این که به زنان شرکت کننده در پژوهش اطمینان خاطر داده شد کلیه اطلاعات پژوهش به صورت محرمانه نزد پژوهشگر باقی می‌ماند و از این اطلاعات صرفا جهت ارزیابی پژوهشی استفاده می‌شود. داده‌های حاصل از پژوهش با استفاده ازSPSS ویراست ۲۶ و روش آماری تحلیل رگرسیون مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت.

ابزار سنجش

پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای لازاروس و فولکمن (CSQ[1]): پرسشنامه راهبردهای مقابلـه ای توسـط فلکمـن و لازاروس[2] در سال۱۹۸۴ طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۶۶ گویه و ۸ مولفه مقابله مستقیم، فاصله جویی، خودکنترلی، جستجوی حمایت اجتماعی، پذیرش مسئولیت، گریـزـ اجتـناب، حل مسئله برنامه ریزی شده و ارزیابی مجدد مثبت است. براساس طیف سه درجه ای اصلاً استفاده نکرده ام (۰) تا بسیار استفاده کرده ام (۳) است. فولکمن و لازاروس (۱۹۸۶) پایایی این پرسشنامه را با روش همسانی درونی ۰/۷۵ و پایایی خرده مقیاس های آن۰/۶۱ برای سبک مقابله فاصله جو تا ۰/۷۹ برای ارزیابی مجدد مثبت و ۰/۷۴ برای اجتناب و ۰/۸۸ برای راهبرد مسئله مدارگزارش شده است (فولکمن و همکاران، ۱۹۸۶). مطالعه رافنسون و همکاران (۱۹۹۲) روایی و اعتبار ساختاری این مقیاس در ایسلند را از طریق تحلیل عاملی و رابطه آن را با مقیاس شیوه‌های مقابله با استرس بیلینگر و موس[3] (۱۹۸۴) r=۰/۴۶ تایید نمود (گاندوگان و سیسر[4]، ۲۰۲۲). روایی پرسشنامه مذکور طی تحقیقاتی که در ایران انجام‌شده تایید گردیده است. ضریب آلفای کرونباخ زیر مقیاس مقابله مستقیم۰/۷۰، زیرمقیاس فاصله جویی ۰/۶۱، زیر مقیاس خود کنترلی ۰/۷۰، زیر مقیاس طلب حمایت اجتماعی ۰/۷۶، زیر مقیاس پذیرش مسئولیت ۰/۶۶، زیر مقیاس گریز/اجتناب ۰/۷۲، زیرمقیاس حل مسئله برنامه ریزی شده ۰/۶۷ و زیر مقیاس ارزیابی مجدد مثبت ۰/۷۹، که نشان دهنده پایایی مطلوب این آزمون هستند). واحدی (۱۳۸۶)، به منظور بررسی همگرایی پرسشنامه روش های مقابله از محاسبه همبستگی نمره های خام حاصل از این پرسشنامه با نمره های خام حاصل از پرسشنامه استرس لیونل استفاده نمود که نتیجه آن (r=۰/۵۶) نشان داد آزمون از روایی همگرایی بالایی برخوردار است. همچنین نتایج روش تحلیل مؤلفه های اصلی و چرخش

1 - Coping Strategies Questionnaire
2 - Folkman, Lazarus
3- Billinger, Moss
4 - Gündoğan, Seçer

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.6.10.4]

واریماکس نشان داد که مقیاس روش های مقابله از ۱۰عامل با بار عاملی بیش از۰/۳ تشکیل شده است (نجاریان و همکاران، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ زیر مقیاس مقابله مستقیم ۰/۷۶، زیرمقیاس فاصله جویی ۰/۷۱، زیر مقیاس خود کنترلی ۰/۸۰، زیر مقیاس طلب حمایت اجتماعی ۰/۷۰، زیر مقیاس پذیرش مسئولیت ۰/۸۲، زیر مقیاس گریز/اجتناب ۰/۷۶، زیرمقیاس حل مسئله برنامه ریزی شده ۰/۷۵ و زیر مقیاس ارزیابی مجدد مثبت ۰/۸۳ و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس نیز ۰/۹۱ گزارش شد.

پرسشنامه صفات شخصیتی (NEO[1]): این پرسشنامه توسط کاستا و مک کری[2] در سال ۱۹۷۰ ساخته شده است و یکی از جدیدترین پرسشنامه‌های مربوط به ارزیابی ساخت شخصیت بر اساس دیدگاه تحلیل عاملی است. این پرسشنامه فرم کوتاهی نیز به نام (FFI-NEO) نیز دارد و یک پرسشنامه ۶۱ سؤالی است و برای ارزیابی ۵ عامل اصلی شخصیت به کار می‌رود. اگر وقت اجرای تست خیلی محدود باشد و اطلاعات کلی از شخصیت کافی باشد از این پرسشنامه استفاده می‌شود. از سوی دیگر اجرای این آزمون ازنظر هزینه و زمان مقرون‌به‌صرفه است مقیاس‌های آن از اعتبار بالایی برخوردارند و همبستگی بین مقیاس‌ها زیاد است و از همه مهم‌تر این آزمون برخلاف سایر آزمون‌های شخصیتی، انتقادات کمتری بر آن واردشده است (گروسی فرشی،۱۳۸۱) این تست قابل‌اجرا بر روی افراد به هنجار است سؤالات این پرسشنامه را هر فردی با داشتن حداقل سواد در حد تحصیلات بالاتر از دوره ابتدایی می‌تواند پاسخ دهد. در این پرسشنامه انتظار بر این است که به تمام سؤالات پاسخ داده شود. شیوه نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت کاملاً مخالفم، مخالفم، بی‌تفاوت، موافقم و کاملاً موافقم تنظیم‌شده است. نمره‌گذاری فرم کوتاه این پرسشنامه یعنی FFI-NEO در تمام مواد یکسان نیست. به این معنی که در نمره‌گذاری برخی از مواد فرم کوتاه پرسشنامه، به کاملاً مخالفم نمره ۴، مخالفم نمره ۳، بی‌تفاوت نمره ۲، موافقم نمره ۱ و کاملاً موافقم نمره ۰ تعلق می‌گیرد. درحالی‌که برخی دیگر از مواد این فرم کوتاه به‌صورت عکس حالت گفته‌شده نمره‌گذاری می‌شوند (ابراهیمی ، ۱۳۹۸). در حال حاضر آزمون ۵ عاملی NEO کاربردی جهانی دارد و به‌منظور تحقیق به زبان‌های چکوسلواکی، عربی، هلندی، فرانسوی، آلمانی، ژاپنی، نروژی، لهستانی و سوئدی ترجمه‌شده است. پرسشنامه شخصیتی FFI-NEO توسط مک کری و کاستا روی ۲۱۸ نفر از دانشجویان آمریکایی به فاصله سه ماه اجرا گردید که ضرایب اعتبار آن بین ۱/۸۳ تا ۱/۷۵ به‌دست‌آمده است. اعتبار درازمدت این پرسشنامه نیز مورد ارزیابی قرارگرفته است. یک مطالعه طولانی ۶ ساله روی مقیاس‌های روان آزردگی خویی، برون‌گرایی و باز بودن نسبت به تجربه، ضریب‌های روایی ۱/۶۸ تا ۱/۸۳ را در گزارش‌های شخصی و نیز در گزارش‌های زوج‌ها نشان داده است. ضریب بازآزمایی دو عامل سازگاری و باوجدانی به فاصله دو سال به ترتیب ۱/۷۹ و ۱/۶۳ بوده است (مک کری و کاستا[3]، ۱۹۸۳ به نقل از گروسی فرشی ۸ ۱۳۹) در هنجاریابی آزمون NEO که توسط گروسی فرشی ۱۳۸۱ روی نمونه‌ای با حجم ۲۱۱۱ نفر از بین دانشجویان دانشگاه‌های تبریز، شیراز و دانشگاه‌های علوم پزشکی این دو شهر صورت گرفت ضریب همبستگی ۵ بعد اصلی رابین ۱/۵۶ تا ۱/۸۷ گزارش کرده است. ضرایب آلفای کرونباخ در هر یک از عوامل اصلی روان آزردگی خویی، برون‌گرایی، باز بودن، ساز گاری و باوجدانی به ترتیب ۱/۸۶،۱/۷۳، ۱/۱،۶۸/۵۶ و ۱/۸۷ به دست آمد. جهت بررسی روایی محتوایی این آزمون از همبستگی بین دو فرم گزارش شخصی s و فرم ارزیابی مشاهده‌گر r، استفاده شد که حداکثر همبستگی به میزان ۱/۶۶ در عامل برون‌گرایی و حداقل آن به میزان ۱/۴۵ در عامل سازگاری بود (به نقل از آزاد بخت و همکاران، ۱۴۰۱). لازم به ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر برای روان آزردگی خویی ۰/۸۳، برون‌گرایی ۰/۹۰، انعطاف‌پذیری ۰/۷۷۱، موافق بودن ۰/۸۸ بود.

مقیاس هوش معنوی کینگ (SISRI[4]): مقیاس هوش معنوی توسط کینگ[5] در سال ۲۰۰۸ طراحی شده است. دارای ۲۴ گویه است که ۴ زیر مولفه تفکر وجودی انتقادی(CET)، تولید معنای شخصی (PMP) ، آگاهی متعالی (TA)، بسط حالت هشیاری (CSE) شامل می‌شود. این مقیاس بر اساس طیف لیکرت پنج درجه ای از کاملا مخالفم (۵) تا کاملا موافقم (۱) نمره‌گذاری می‌شود. پایایی این مقیاس در مطالعه کینگ (۲۰۰۷) بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ گزارش شد و آلفای زیر مقیاس های آن از جمله تفکر وجودی انتقادی ۰/۸۸، ایجاد معناداری شخصی ۰/۸۷، هشیاری متعالی ۰/۸۹ و گسترش هشیری متعالی ۰/۹۴ گزارش کرد. کینگ (۲۰۰۷) به منظور سنجش روایی، این مقیاس را با چندین پرسشنامه معتبر از جمله مقیاس خود تفسیری فرا شخصی، مقیاس عرفان و مقیاس دینداری درونی و بیرونی مورد مقایسه قرار داد و ضریب همبستگی آنها را به ترتیب ۰/۶۷، ۰/۶۳ و ۰/۵۸ گزارش کرد. در پژوهش زاده شبروز و

1 - The NEO Personality Inventory Test
2 - Costa, McCrae
3 - Mc Cery, Kasta
4 - The validation of King's Spiritual Intelligence Scale
5 - King

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.6.10.4]

همکاران (۱۳۹۷) آلفای کرونباخ برای ابعاد مقیاس به ترتیب تفکر وجودی انتقادی ۰/۷۶، تولید معنای شخصی ۰/۷۸، بسط هوشیاری ۰/۷۲، و آگاهی متعالی ۰/۸۰ و پایایی کل پرسشنامه نیز با آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد. در پژوهش شریفی نیا و همکاران (۱۳۹۴) روایی سازه پرسشنامه به کمک تحلیل عاملی اکتشافی ۰/۸ تا ۰/۹ محاسبه شد. روایی همگرا و واگرا به کمک ارزیابی میانگین واریانس استخراجی، حداکثر مجذور واریانس مشترک و میانگین مجذور واریانس مشترک سنجیده شد. روایی همگرا ۰/۵۸ و روایی واگر ۰/۴۴ گزارش شد (به نقل از زاده شبروز و همکاران، ۱۳۹۷). لازم به ذکر است پایایی ابعاد پرسشنامه در پژوهش حاضر به ترتیب برای تفکر وجودی انتقادی ۰/۸۳، تولید معنای شخصی ۰/۷۹، بسط هوشیاری ۰/۸۸، و آگاهی متعالی ۰/۷۸ و پایایی کل پرسشنامه نیز ۰/۹۳ گزارش شد.

یافته ها

میانگین سن گزارش‌شده برای نمونه پژوهش حاضر ۳۹/۳ ۳±/۸۳ گزارش شد. حداقل سن شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۹ و حداکثر سن ۴۵ گزارش شد. نتیجه یافته‌های توصیفی پژوهش به تفکیک سه مرحله پژوهش در سه گروه در جدول ۱ ارائه‌شده است.

جدول ۱. مشخصه‌های آماری متغیرها و ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرها

متغیرها	۱	۲	۳
۱. انعطاف‌پذیری	۱		
۲. تفکر وجودی انتقادی	-۰/۱۵**	۱	
۳. پذیرش مسئولیت	۰/۲۳**	۰/۱۵*	۱
میانگین	۲۶/۶	۱۲/۸	۹/۵۶
انحراف معیار	۳/۸۹	۲/۴۶	۱/۱۷
چولگی	۰/۸۶۸	۰/۲۰۱	۰/۳۸۱
کشیدگی	۱/۰۹	-۰/۱	-۰/۴۴۱

نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که بین انعطاف‌پذیری و پذیرش مسئولیت‌پذیری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (r=۰/۲۳۷) و بین تفکر وجودی انتقادی و پذیرش مسئولیت‌پذیری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (r=۰/۱۵۴). نتایج آزمون کالموگراف – اسمیرنف برای انعطاف‌پذیری (۱/۷۷)، تفکر وجودی انتقادی (۱/۲۰) و پذیرش مسئولیت‌پذیری (۰/۷۹) (P>۰/۰۵) گزارش شد. بنابراین نتیجه می‌گیریم توزیع نمرات متغیرهای پژوهش نرمال است. لذا استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه جهت بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش بلامانع است. همچنین آماره دوربین واتسون نیز ۱/۸۹ گزارش شد که چون مقدار آن بین ۱/۵ تا ۲/۵ است؛ تایید می‌شود.

جدول ۲. خلاصه مدل رگرسیون چندگانه انعطاف پذیری و تفکر وجودی انتقادی در پیش‌بینی پذیرش مسئولیت‌پذیری

شاخص‌های آماری متغیرهای واردشده	ضریب همبستگی چندگانه	مجذور ضریب همبستگی	ضریب همبستگی اصلاح‌شده	سطح معناداری	دوربین واتسون
انعطاف‌پذیری تفکر وجودی انتقادی	۰/۳۹۷	۰/۱۹۹	۰/۱۸۷	۰/۰۲	۱/۸۹

جدول (۲) نشان می‌دهد در تحلیل رگرسیون، انعطاف‌پذیری و تفکر وجودی انتقادی با پذیرش مسئولیت‌پذیری دارای همبستگی چندگانه هستند که مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰/۱۹۹ است. با توجه به مقدار مجذور ضریب همبستگی (۰/۱۹۹) حدود ۱۹/۹ درصد از واریانس پذیرش مسئولیت‌پذیری توسط انعطاف‌پذیری و تفکر وجودی انتقادی پیش‌بینی می‌شود.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.6.10.4]

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه انعطاف‌پذیری و تفکر وجودی انتقادی در پیش‌بینی پذیرش مسئولیت

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۱۱۰۶۲/۴	۲	۵۵۳۱/۲	۵/۵۴	۰/۰۰۴
باقیمانده	۲۶۹۲۳۱/۴	۲۷۰	۹۹۷/۱		
کل	۲۸۰۲۹۳/۹	۲۷۲			

طبق جدول (۳)، تحلیل واریانس، اعتبار رگرسیون چندگانه را در پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری ($p<۰/۰۵$ و $F= ۵/۵۴$) تأیید می‌کند.

جدول ۴. ضرایب انعطاف پذیری و تفکر وجودی انتقادی در پیش‌بینی پذیرش مسئولیت‌پذیری

شاخص‌های آماری	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد		
متغیر	ضریب رگرسیونی	خطای معیار	بتا	t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۹۴/۳	۸/۵۶		۱۱/۰۱	۰/۰۰۱
انعطاف‌پذیری	۰/۰۹۲	۰/۰۴۳	۰/۱۳۰	۲/۱۱	۰/۰۳۵
تفکر وجودی انتقادی	۰/۲۱۳	۰/۱۰۶	۰/۱۲۳	۲	۰/۰۴۶

طبق جدول (۴)، انعطاف‌پذیری با ضریب رگرسیونی (۰/۰۹۲) رابطه مثبت و معناداری با پذیرش مسئولیت‌پذیری دارد و تفکر وجودی انتقادی با ضریب رگرسیونی (۰/۲۱۳) رابطه مثبت و معناداری با پذیرش مسئولیت‌پذیری دارد. انعطاف‌پذیری با ضریب بتا برابر با (۰/۱۳۰) رابطه مثبت و معناداری با پذیرش مسئولیت‌پذیری و تفکر وجودی انتقادی نیز با ضریب بتا برابر با (۰/۱۲۳) رابطه مثبت و معناداری با پذیرش مسئولیت‌پذیری دارد. معادله رگرسیون برای پیش‌بینی راهبردهای مقابله با استرس به شرح زیر است.

$x_۱$ =انعطاف‌پذیری
$x_۴$ =تفکر وجودی انتقادی

$Y=۹۴/۳+۰/۱۳۰\ (X_۱) +۰/۱۲۳(x_۲)$ (پذیرش مسئولیت‌پذیری)

طبق معادله رگرسیون، به ازای هر واحد که بر انعطاف‌پذیری افزوده می‌شود به میزان (۰/۱۳۰) واحد و به ازای هر واحد که به تفکر وجودی انتقادی افزوده می‌شود به میزان (۰/۱۲۳) واحد پذیرش مسدئولیت‌پذیری افزایش می‌یابد. بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود انعطاف-پذیری و تفکر وجودی انتقادی توان پیش‌بینی پذیرش مسئولیت‌پذیری را دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی پذیرش مسئولیت‌پذیری براساس انعطاف‌پذیری و تفکر وجودی انتقادی در مادران دانش‌آموزان کم توان ذهنی انجام شد. نتیجه حاصل از پژوهش حاضر نشان داد انعطاف‌پذیری توان پیش بینی پذیرش مسئولیت‌پذیری را در مادران دانش‌آموزان کم توان ذهنی را داشته است. نتیجه حاصل با نتیجه پژوهش ددووا و همکاران (۲۰۲۳) و کولودزیج و همکاران (۲۰۲۲) همسو بود. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت: از آنجا که مادران دارای کم توان ذهنی استرس بیشتری را در مقایسه با پدران تجربه می‌کنند. چراکه مادر اولین شخصی است که به طور مستقیم با کودک ارتباط دارد. مادر وقتی با کودک کم‌توان خود روبه‌رو می شود به علت نگهداری دائمی با استرس مواجه می‌شود که این عوامل، باعث تضعیف کارکرد طبیعی مادر می‌شود. این مادران فرزندان کم‌توان ذهنی احساس مسئولیت بیشتر می کنند بیشتر وقت و انرژی خود را صرف کودک می‌کنند، مادران دارای کوکان کم توان ذهنی انعطاف پذیری کمتری نسبت به مادران ناتوان یادگیری تجربه می کنند (براون و همکاران، ۲۰۲۲). از طرفی می توان گفت مادرانی که انعطاف پذیری شناختی بالاتری دارند، بهتر می توانند در موقعیت های استرس زا عمل کنند و در صورتی که نتوانند منبع استرس را تغییر دهند انعطاف پذیر بوده و به گزینه های دیگری می اندیشند مادران دارای کودکان کم توان ذهنی به دلیل اینکه بار استرس بیشتری نسبت به مادران دیگر تحمل می کنند، مسئولیت پذیری بیشتری دارند با مشکلات زندگی بهتر می توانند کنار بیایند و در زیر مشکلات خم نشوند و انعطاف پذیری بیشتری داشته باشند؛ این مادران در روابط خانوادگی احساس امینت می کنند و از پیشرفت های کمی که فرزندشان دارند راضی

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.6.10.4]

هستند و با کودکان شان سازگارتر شده و تلاش برای یادگیری و سازگاری با دنیای خارج نیز در فرزندان بیشتر است (لوباتو و همکاران، ۲۰۲۲).

نتیجه حاصل از پژوهش حاضر نشان داد تفکر وجودی انتقادی توان پیش بینی پذیرش مسئولیت‌پذیری را در مادران دانش‌آموزان کم توان ذهنی را داشته است. نتیجه حاضر با نتایج تاکادیپورام (۲۰۲۳) و نورزمان و آمالیا (۲۰۲۲) همسو بود. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت: هوش معنوی مادران کم توان ذهنی سبب شده که در زندگی خود ارزش های فرامادی را دنبال کنند و با توکل و تکیه بر ذات مقدس خداوند آرامش درونی خود را حفظ نمایند و از نگرش مثبت و ذهنی یاز و انعطاف پذیری برخوردار شوند و مسئولیت بیشتری در قبال کودکان خود داشته باشند (پوردهانی و ساکسنا ، ۲۰۲۰). در حقیقت عبادت، نیایش، ایمان و تجارب معنوی راه حلی برای مشکلات و سختی های زندگی است. بنابراین مادرانی که از هوش معنوی بالایی دارند درقبال فرزندان خود مسئولیت پذیری داشته امکان دست یابی به دانش و فهم بیشتری را داشته این امر زمینه را برای رسیدن به کمال و ترقی در زندگی را برای فرزندان فراهم می‌کنند و از نظر روانشناختی افرادی سالم هستند (داکا و رایدز ، ۲۰۲۳).

به‌طورکلی نتایج حاکی از این بود که پذیرش مسئولیت‌پذیری بر اساس انعطاف‌پذیری و تفکر وجودی در مادران دانش‌آموزن کم توان ذهنی قابل پیش بینی بود. از محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که از نوع مقطعی بود، لذا پیشنهاد می‌شود که مطالعات بعدی به بررسی طولی متغیرهای پژوهش حاضر بپردازند. ازآنجاکه واحد نمونه پژوهش حاضر مادران دانش‌آموزان کم توان ذهنی شهرستان قزوین بود؛ پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از سایر مناطق استفاده شود. علاوه بر موارد ذکر شده باید به این نکته اشاره کرد که نمونه پژوهش حاضر به صورت روش نمونه‌گیری هدفمند گزینش شده که پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شود تا تعمیم‌پذیری یافته‌ها با قدرت بیشتری انجام گیرد.

منابع

آزاد بخت، ل؛ اعظمی، ی، ذوقی، ل. (۱۴۰۱). نقش ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های مقابله با استرس و باورهای معنوی در پیش‌بینی رشد پس از ضربه در بیماران بهبود یافته از کووید ۱۹. *رویش روان شناسی*، ۱۱ (۸)، ۱۹۸-۱۸۷. http://frooyesh.ir/article-1-4087-fa.html

زاده شبروز، ق؛ یوسفی، ن؛ قادری، ف. (۱۳۹۷). نقش طرحواره های ناسازگار اولیه، سبک های مقابله ای و نظم جویی شناختی هیجان در پیش بینی گرایش به اعتیاد دانش آموزان. روانشناسی مدرسه. ۷ (۴)، ۱۱۸-۱۳۹. https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx

نجاریان، ز؛ صدیقی‌ارفعی، ف؛ تمنایی‌فر، م.ر. (۱۳۹۴). پیش‌بینی سبک‌های مقابله‌ای و ابراز وجود بر اساس سبک‌های دلبستگی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های کاشان. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۱(۳)، ۱۰۹-۸۷. 10.22051/JONTOE.2015.2085

Al-Saadi, S. B. R. (2022). The personal scope of the mother's responsibility and ways to get rid of it. *Journal of Positive School Psychology*, *6*(2), 6179-6189. https://journalppw.com/index.php/jpsp/article/view/6146

Bağ, S. (2022). The Effects of Depression Severity on the Stress Coping Methods of Mothers with Mentally Disabled Children. Istanbul Medical Journal, 23(1). 10. 10.4274/imj.galenos.2022.99075

Bashir, A., & McTaggart, I. J. (2022). Importance of faculty role modelling for teaching professionalism to medical students: Individual versus institutional responsibility. *Journal of Taibah University Medical Sciences*, *17*(1), 112-119. https://doi.org/10.1016/j.jtumed.2021.06.009

Brown, H. K., Tint, A., Heifetz, M., Abou Chacra, M., Bluestein, D., Vigod, S., & Lunsky, Y. (2022). Barriers and requirements for parenting supports and mental health care among mothers with intellectual disabilities: Health and social service-provider perspectives. *Research in Developmental Disabilities*, *126*, 104237. https://doi.org/10.1016/j.ridd.2022.104237

Curryer, B., Stancliffe, R. J., Wiese, M. Y., & Dew, A. (2020). The experience of mothers supporting self-determination of adult sons and daughters with intellectual disability. *Journal of Applied Research in Intellectual Disabilities*, *33*(3), 373-385. https://doi.org/10.1111/jar.12680

Dacka, M., & Rydz, E. (2023). Personality Traits and the Spiritual and Moral Intelligence of Early Adulthood in Poland. *Religions*, *14*(1), 78. ; https://doi.org/10.3390/rel14010078

Dědová, M., Baník, G., & Vargová, L. (2023). Coping with cancer: the role of different sources of psychosocial support and the personality of patients with cancer in (mal) adaptive coping strategies. *Supportive Care in Cancer*, *31*(1), 1-11.

Di Battista, S., Salvati, M., Ertan, I., & Pivetti, M. (2022). Attitudes toward "Non-Traditional" Mothers: Examining the Antecedents of Mothers' Competence Perceptions. *Social Sciences*, *11*(11), 495. https://doi.org/10.3390/socsci11110495

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.6.10.4]

Ersoy, K., Altin, B., Sarikaya, B. B., & Özkardaş, O. G. (2020). The comparison of impact of health anxiety on dispositional hope and psychological well-being of mothers who have children diagnosed with autism and mothers who have normal children, in Covid-19 pandemic. *Sosyal Bilimler Araştırma Dergisi*, *9*(2), 117-126. https://dergipark.org.tr/en/pub/ssrj/issue/54392/737630

Folkman, S., & Lazarus, R. S. (1986). Stress processes and depressive symptomatology. *Journal of abnormal psychology*, *95*(2), 107. https://doi.org/10.1037/0021-843X.95.2.107

Gallagher, B. V., & Gardner, F. L. (2007). An examination of the relationship between early maladaptive schemas, coping, and emotional response to athletic injury. *Journal of Clinical Sport Psychology*, *1*(1), 47-67 https://doi.org/10.1123/jcsp.1.1.47

Grasmane, I., Raščevskis, V., & Pipere, A. (2022). Primary validation of Children Spiritual Intelligence Scale in a sample of Latvian elementary school pupils. *International Journal of Children's Spirituality*, 1-16. https://doi.org/10.1080/1364436X.2022.2043833

Gündoğan, S., & Seçer, İ. (2022). Coping with School Burnout. *Psikiyatride Guncel Yaklasimlar*, *14*(3), 331-339. https://doi.org/ 18863/pgy.1025335

Kamaludin, N. N., Muhamad, R., Mat Yudin, Z., & Zakaria, R. (2022). Barriers and concerns in providing education among children with intellectual disabilities: Experiences from Malay mothers. International Journal of Environmental Research and Public Health, 19(3), 1070. https://doi.org/10.3390/ijerph19031070

Kołodziej, K., Kurowska, A., & Majda, A. (2022). Intensification of Type D Personality Traits and Coping Strategies of People Staying in Polish Penitentiary Institutions—Cross-Sectional Study. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, *19*(4), 2301.

Krisnanda, P. H., & Surya, I. B. K. (2019). Effect of emotional and spiritual intelligence on transformational leadership and impact on employee performance. *International Research Journal of Management, IT and Social Sciences*, *6*(3), 70-82. https://www.semanticscholar.org/paper/Effect

Liu, Q., Cai, M., Liu, D., Ma, S., Zhang, Q., Liu, Z., & Yang, J. (2022). Two stream Non-Local CNN-LSTM network for the auxiliary assessment of mental retardation. *Computers in Biology and Medicine*, 105803. https://doi.org/10.1016/j.compbiomed.2022.105803

Lobato, D., Montesinos, F., Polín, E., & Cáliz, S. (2022). Acceptance and Commitment Training Focused on Psychological Flexibility for Family Members of Children with Intellectual Disabilities. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, *19*(21), 13943. https://doi.org/10.3390/ijerph192113943

Ma, Q., & Wang, F. (2022). The Role of Students' Spiritual Intelligence in Enhancing Their Academic Engagement: A Theoretical Review. *Frontiers in Psychology*, *13*, 857842. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.857842

Maulinda, A. V., Murti, B., & Adriani, R. B. (2022). The Experience of Mothers Caring for Children with Disabilities at the Persatuan Rakyat Indonesia Special School in Pekalongan, Central Java: A Phenomenological Study. *Journal of Maternal and Child Health*, *6*(6), 632-641. https://doi.org/10.26911/thejmch.2021.06.06.01

Mercer, J. R. (2022). Labeling the mentally retarded: Clinical and social system perspectives on mental retardation. *Univ of California Press*. https://books.google.com/books

Neijmeijer, L., Kuiper, C., Kroon, H., & Didden, R. (2020). Experiences of service users with a mild intellectual disability or borderline intellectual functioning with Flexible Assertive Community Treatment: A qualitative study. *Journal of Applied Research in Intellectual Disabilities*, *33*(5), 1005-1015. https://doi.org/10.1111/jar.12723

Nurzaman, L., & Amalia, L. (2022). The Effect of Emotional Intelligence and Spiritual Intelligence on Lecturer Work Performance. *Eligible: Journal of Social Sciences*, *1*(1), 50-71.

Purdhani, S., & Saxena, T. (2020). Spiritual intelligence and emotional competence in parents having children with special needs: A comparative study. *IAHRW International Journal of Social Sciences Review*, *8*(4-6), 192-195. https://www.proquest.com/openview/6b7e069633e3df42c58d4b8e6e697

Rogers, G., Perez-Olivas, G., Stenfert Kroese, B., Patel, V., Murphy, G., Rose, J., ... & Willner, P. (2021). The experiences of mothers of children and young people with intellectual disabilities during the first COVID-19 lockdown period. *Journal of Applied Research in Intellectual Disabilities*, *34*(6), 1421-1430. https://doi.org/10.1111/jar.12884

Samul, J. (2020). Emotional and spiritual intelligence of future leaders: challenges for education. *Education Sciences*, *10*(7), 178. https://doi.org/10.3390/educsci10070178

Skrzypińska, K. (2021). Does spiritual intelligence (SI) exist? A theoretical investigation of a tool useful for finding the meaning of life. *Journal of religion and health*, *60*(1), 500-516.

Thakadipuram, T. (2023). Wholeness: A Model of Spiritual Intelligence. In *Leadership Wholeness*, *Volume 1* (pp. 29-44). Palgrave Macmillan, Cham. https://scholar.google.com/scholar

Wood, M. E., Brown, K. P., Bitting, A. R., Slobogin, C., & Bowerman, B. (2022). Legal Admissibility of the Competence Assessment for Standing Trial for Defendants with Mental Retardation (CAST-MR). *Journal of Personality Assessment*, *104*(2), 289-301. https://doi.org/10.1177/0093854890017002001

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.6.10.4]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.6.10.4]